

## بررسی تأثیر نظریه «حقوق متقابل حاکم و مردم» امام علی علیه السلام بر حقوق ایرانیان در دوران خلافتش

سیدعلاءالدین شاهرخی / دانشیار دانشگاه لرستان / Shahrokhi.a@lu.ac.ir

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

(DOI): 10.22034/shistu.2023.533549.2246

### چکیده

امام علی علیه السلام در دوران خلافت خود با طرح «حقوق متقابل حاکم و مردم»، گفتمان نوینی در خصوص حقوق مردم مطرح ساختند که هرچند پس از دوران کوتاه خلافتشان استمرار نیافت، اما الگوی جدیدی در تاریخ بشریت و اسلام ارائه نمود. این پژوهش می‌کوشد تا با استفاده از روش «توصیفی-تحلیلی» به این پرسش پاسخ دهد که طرح گفتمان «حقوق متقابل حاکم و مردم» توسط امام علی علیه السلام چگونه اجرا گردید؟ و چه تأثیری بر اوضاع حقوقی نابسامان موالی ایرانی، به ویژه در کوفه و نواحی اطرافش نهاد؟ یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که جامعه قبایلی متأثر از نفوذ رهبران خود بود و اهمیت این اندیشه امام علی علیه السلام را درک نکرد، در خصوص اجرای این نظریه نسبت به موالی، اشراف عرب با شدت به مقابله علنی با امام برخاستند و توجهی به ارشادهای قرآنی ایشان در این رابطه ننمودند. با این حال در درازمدت امکان تفکیک میان الگوی مطلوب حقوق مردم در قرآن و سنت با روش‌های انجام پذیرفته برای همگان و به ویژه موالی ایرانی فراهم گردید. همچنین اهمیت اجرای عدالت حقوقی، شیوه صحیح گفتمان حاکمیت با همه مردم (از جمله، با گروه‌های اقلیت قومی و مذهبی) و روش تحقق آن مشخص گردید.

کلیدواژه‌ها: امام علی علیه السلام، نظریه «حقوق متقابل»، خلافت اسلامی، ایرانیان، حقوق انسانی.

## مقدمه

حقوق در همه زمینه‌ها به هر یک از وقایع اجتماعی، معنایی معین می‌دهد تا آن وقایع بتوانند آثاری حقوقی از خود بر جای بگذارند. خاستگاه حقوق انسانی فطرت انسان است. در تاریخ حیات بشر معمولاً مرز میان حقوق انسان‌ها در قالب گفتمان «غلبه قدرت» و بهره‌مندی اقلیتی اندک در جامعه از حقوق بی‌حد و مرز در برابر محرومیت عموم مردم از این امتیاز بوده است، ولی در دوران معاصر این روند تا حد زیادی تغییر کرد و حقوق بشر به مثابه یک محور کلیدی در زمان کنونی از اهمیت زیادی در ابعاد گوناگون، به‌ویژه در حوزه بین‌الملل برخوردار گردید.

از جمله موضوعاتی که در دوران معاصر و به ویژه در سال‌های اخیر محور برخی تحلیل‌ها و گاه تبلیغات علیه اسلام قرار گرفته، وجود گزارش‌های تاریخی از تبعیض و تزییع حقوق انسانی ملت‌ها و عمدتاً ایرانیان توسط فاتحان عرب و حمایت تعدادی از خلفا از این رفتار غیرانسانی است. فتوحات اسلامی از دوران خلیفه اول آغاز گردید و در زمان خلفای دوم و سوم با سرعت شگرفی پیگیری گردید و موجب شد تا در عرض چند دهه سرزمین‌های پهناوری با مردمی از نژادهای غیرعرب ضمیمه خلافت اسلامی گردند. همزمان با پیروزی‌های گسترده فاتحان عرب مسلمان، برخی معضلات نیز به تدریج در عصر خلفای مذکور و با الگوی برخی از آنان شکل گرفت و بسیاری از حوادث مهم دو قرن نخست هجری را پایه‌گذاری کرد. این روند موجب شد تا ایرانیانی که از این شرایط ناراضی بودند نقش برجسته‌ای در وقایع و حوادث مهمی همچون قتل خلیفه دوم و بعدها در قیام مختار، شورش‌های متعدد علیه امویان و به ویژه نهضت سیاه‌جامگان ایفا نمایند. ریشه شکل‌گیری نابرابری حقوقی در هر جامعه‌ای در اجرای تبعیض به اشکال گوناگون میان مردم است. اصطلاح «تبعیض» بر نحوه برخورد نامطلوب فرد یا گروه‌های مسلط با دسته‌های معینی از اشخاص در جهات و زمینه‌های تحکم‌آمیز دلالت می‌کند. در

این نوع کاربرد، به فرایند یا شکلی از کنترل اجتماعی اشاره می‌کند که برای حفظ فاصله اجتماعی میان دو یا چند دسته یا گروه از طریق اتخاذ شیوه‌هایی کم و بیش نهادی یا عقلایی شده سودمند است. شیوه‌های به‌کار گرفته شده متضمن اسناد خودسرانه صفت «زیردستی» در زمینه‌هایی است که ربط چندانی با رفتار حقیقی افراد مورد تبعیض ندارد و غالباً با عقاید پذیرفته شده درباره عدالت و انصاف در تضاد است. (گولد و کولب، ۱۳۷۶، ص ۲۱۲)

الگوی مطالعاتی و شناختی برخی محققان از حقوق انسانی در اسلام بیشتر بر مبنای حاکمیت استبدادی چندصد ساله کسانی است که در طول تاریخ اسلام با عنوان «خلیفه اسلامی» حکومت کرده‌اند. در واقع آنان کمتر با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندانش و به‌ویژه امام علی علیه السلام آشنایی کامل دارند. از این رو ضرورت دارد موضوع جایگاه عدالت و برابری حقوق اقشار گوناگون مردم در خلافت قریب پنج ساله امام علی علیه السلام به عنوان نزدیک‌ترین فرد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دقت بررسی گردد تا بتوان به شناخت بهتری در این زمینه دست یافت.

طرح گفتمان «حقوق متقابل حاکم و مردم بر یکدیگر» از جانب امیرالمومنین علی علیه السلام در جلسه‌ای عمومی خطاب به مردم و در برخی مواقع دیگر، از جمله در نامه به مالک اشتر و در نامه خطاب به فرماندهان نظامی (سیدرضی، ۱۳۸۸، نامه ۵۰)، عرصه نوینی برای عموم مردم، به ویژه نومسلمانان غیرعرب گشود. این در حالی بود که در سرزمین‌های پهناور اسلامی طی دو دهه گذشته جامعه از نظر حقوق انسانی به دو گروه کلی نژاد برتر پیروز و مردم غیر عرب محروم تقسیم شده بودند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا طرح حقوق مردم از نظر امام علی علیه السلام مرزهای نژادی و قومی داشت یا شامل همگان، از جمله ایرانیان ساکن در کوفه و دیگر مناطق بین‌النهرین که تحت تبعیض و محروم از حداقل‌های حقوق انسانی بودند هم می‌شد؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند برای علاقه‌مندان و پژوهشگران نتایج مهمی دربر داشته باشد.

### پیشینه پژوهش

در خصوص حقوق انسانی ایرانیان (موالی) با محوریت سخنان امام علی علیه السلام مبنی بر حقوق متقابل حاکم و مردم تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است، اگرچه گاه در ضمن برخی پژوهش‌ها نکاتی آمده که به آنها اشاره می‌شود:

محمدحسن قدردان قراملکی (۱۳۸۴) در پژوهشی اجمالی به موضوع حقوق متقابل مردم و حکومت در دوران خلافت امام علی علیه السلام پرداخته و در چند جا به پارسیان کوفه اشاراتی کرده است.

عباسعلی عمیدزنجانی (۱۳۸۰) به بررسی حقوق اقلیت‌ها در حکومت امام علی علیه السلام اقدام نموده است. با اینکه توجه وی به اقلیت‌های مذهبی بوده، گاه نکاتی در خصوص موالی کوفه نیز ذکر کرده است.

بیژن حسین‌پور (۱۳۸۳) بحث خود را بر حقوق مردم در سیره علوی متمرکز نموده و به صورت کلی و مفهومی به این موضوع پرداخته است.

سیدعلالدین شاه‌رخی و روح‌الله بهرامی (۱۳۹۱) در خصوص رفتار امام با موالی پژوهش نموده‌اند و بدون طرح نظریه حقوق متقابل حاکم و مردم در نظرگاه امام، به مبحث حقوق پارسیان اشاراتی کرده‌اند.

### واژه «حقوق» و ابعاد گوناگون آن

واژه «حقوق» جمع «حق» است که در لغت معانی متعددی دارد؛ از جمله «راست و درست، ضد باطل، ثابت و واجب و کاری که البته واقع شود؛ یقین، عدل، نصیب و بهره از چیزی، ملک و مال» (عمید، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۹۹). همچنین به معنای «مطابقت، موافقت، موجود ثابت، صدق، خلاف باطل و لایق» آمده است. (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۴۶۰) واژه «حق» به طور معمول به معنای فردی یا شخصی به کار می‌رود، در برابر حقوق که به معنای احکام است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۳۷۰ و ۳۷۲)

در واقع می‌توان حق را اختیاری دانست که قانون برای فرد شناخته است تا بتواند عملی را انجام دهد یا آن را ترک نماید؛ چنان که گفته می‌شود: حق مالکیت، حق تصرف، کاربرد واژه «حق» در این معنا در حقوق اسلامی سابقه دارد. (امامی، ۱۳۴۲، ج ۲، ص ۲)

«حقوق بشر» در اصطلاح بین‌المللی، به معنای حقوقی است که هر فرد به خاطر انسان بودن و فارغ از هر حیث دیگری مانند نژاد، جنسیت، رنگ، زبان، دین و مانند آن از آن برخوردار است. (Donnelly, 2013, p.18) یکی از ویژگی‌هایی که برای حقوق بشر برشمرده می‌شود و در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر آن تأکید شده، جهان‌شمولی آن است. جهان‌شمولی مشخصه عمده‌ای است که حقوق بشر را از دیگر حقوق متمایز می‌سازد. (کرمی، ۱۳۷۵، ص ۸۶) احتمال دیگر آن است که حقوق بشر به لحاظ نظری، ارزش‌های جهانی دارد؛ زیرا هدف از آنها این است که در خصوص تمام انسان‌ها به طور یکسان و صرف نظر از اختلاف‌های قومی، فرهنگی و دینی رعایت شود. (Sieghart, 1983, p.75)

**حقوق بشر (انسانی) در مکتب اسلام و مواجهه با چالش بعد از فتوحات اسلامی**

شواهد متعددی گویای توجه ویژه به اهمیت و برابری حقوق انسان‌ها در کتاب آسمانی مسلمانان است. آیات قرآنی و رهنمودهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دربر دارنده برخی مفاهیم و معانی است که انسان را بدون قومیت و نژادش مخاطب قرار می‌دهند. توحید سرفصل رهایی انسان از اسارت شرک ذهنی و عینی و نابودی موانع رشد و تعالی انسان محسوب می‌گردد و حتی انسان خلیفه خدا در روی زمین قلمداد گردیده است. قرآن به روشنی علت وجود اقوام گوناگون را بیان کرده، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم ما شما را از نر و ماده‌ای آفریدیم و شما را به شاخه‌ها و خاندان‌هایی تقسیم کردیم تا یکدیگر را باز شناسید. گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست.

بی‌تردید آشکارترین دلیل بر یکسان‌نگری به تمام افراد بشر، جهانی‌بودن دین اسلام و تعلق نداشتن آن به یک سرزمین و یک نژاد خاص است که خداوند متعال می‌فرماید: «كِتَابٌ أُنزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرٍ لِلْمُؤْمِنِينَ». (اعراف: ۲) به عبارت دیگر همه انسان‌ها بدون تبعیض به یک دین واحد فراخوانده شده‌اند. (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۱۶، ص ۲۰۶)

اسلام بین تمام افراد از هر رنگ و نژادی پیوند برادری برقرار کرده و بر این موضوع در کتاب وحی نیز تأکید شده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». (حجرات: ۱۰) در نتیجه، بر خورداری از آنچه در زمین است حق تمام انسان‌ها بوده و محروم کردن عده‌ای با هر عنوانی زیر پا گذاشتن قانون طبیعی و الهی است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۴۰)

اسلام تفاوت میان افراد و همچنین بین زن و مرد را می‌پذیرد، اما نافی تبعیض است. در نظام تکوین جهان، تفاوت هست و این تفاوت‌هاست که به جهان‌بینی تنوع و تکامل بخشیده، اما تبعیض نیست. مدینه فاضله اسلامی ضد تبعیض است، اما ضد تفاوت نیست. (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۱۰-۱۱۳) قرآن توصیه می‌کند: تفاوت‌ها و برتری‌ها دیگران را آرزو نکنید و به جای آن، به امتیاز و برتری خداوند به خودتان توجه کرده، در جهت نیل به کمال از آن بهره‌مند شوید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۶۳؛ رازی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۴۲)

### سیره پیامبر ﷺ در مقوله حقوق اقشار مردم

پیش از اسلام آشکارترین اصل سنت قبیله‌ای یا آداب و رسوم پدران و اجداد بود. (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۸۷) این نوع عصبیت قومی و نژادی بر رفتار عرب جاهلی سلطه داشت. ولی با ظهور اسلام اندیشه‌های اخلاقی و قبیله‌ای در عربستان میان اعراب کم‌رنگ شد، جنگ‌های نژادی میان قبایل عرب جاهلی با ظهور اسلام خاتمه یافت و به روح برادری

تبدیل گردید. (ابن کثیر، ۱۹۷۱، ج ۲، ص ۳۲۴-۳۲۹) یکی از اولین ابتکارات پیامبر صلی الله علیه و آله ایجاد پیمان «اخوت» میان انصار و مهاجران بود. (ابن هشام، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۵۰۵) پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از یک سو با ایجاد برادری و از سوی دیگر با لغو اصول نژادی و قبیله‌ای و قرار دادن ایمان به جای آن مطابق آیه الهی: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره: ۱۳۸) بنای شکل‌گیری تحولی گسترده در فرهنگ جاهلی را ایجاد نمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسانی را که خود را از طبقه برتر می‌دانستند و به نژاد و قوم و قبیله و پدران خود تفاخر می‌کردند نکوهش کرده، می‌فرماید: «كُلُّكُمْ بَنُو آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ لَيَنْتَهِيَنَّ قَوْمٌ يَفْتَخِرُونَ بِآبَائِهِمْ أَوْ لَيَكُونَنَّ أَهْوَنُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْجَعْلَانِ» (قرطبی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۹۴؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۷۷)؛ همه شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک بود. باید قومی که به پدرانشان تفاخر می‌کنند بدین کار پایان بخشند و یا باید نزد خداوند بی‌ارزش‌تر از سوسک فضله‌غلطان (جعلان) باشند.

آن حضرت در رفتار با اصحاب خود نیز هیچ تبعیضی میان آنان بر اساس نژاد و رنگ پوست و مانند آن قایل نمی‌شدند. برای نمونه بلال حبشی سیاه‌پوست که قبلاً برده بود، همنشین ایشان در مسجدالحرام بود. روابط صمیمانه و گرم آن حضرت با قشر مستضعف موجب شده بود اشراف قریش ایشان را به سبب همنشینی با بلال و دیگر محرومان جامعه ریشخند کنند. با این وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاقه و عنایت خاصی به بلال داشتند و او را به تعبیر جبرئیل، «سید و سرور حبشیان» می‌شمردند. (ابن سعد، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۸۵)

با ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله، عصبیت قریشی (قومی) که در سقیفه بنی‌ساعده در شکل‌گیری خلافت ایفای نقش نمود به تدریج تبدیل به حماسه عربی گردید و در نتیجه پیام‌های عادلانه اسلامی کم‌رنگ یا محو گردید و تفاخرات نژادی دوباره حاکم شد.

## شکل‌گیری تدریجی نابرابری و تبعیض حقوقی نسبت به موالی پس از رحلت

پیامبر ﷺ

پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، عصبیت نژادی در جامعه اسلامی گسترش پیدا کرد و لطمات جبران‌ناپذیری بر امت اسلامی وارد ساخت. نابرابری در درون خلافت اسلامی از سقیفه بنی‌ساعده و از زمانی آغاز گردید که کسب قدرت سیاسی و حکومتی اسلام و جانشینی پیامبر ﷺ بر اساس ایده قبیله‌ای و نژادی و با طرح حدیث واحد «الائمة من قریش» انجام پذیرفت. (ابن عمر، ۱۳۶۸، ص ۳۱۰-۳۱۱) این روند برآیند تبعیضی بود که از مدینه، مرکز سرزمین‌های اسلامی آن زمان، شروع شد؛ اما به آن شهر و مسئله خلافت محدود نگردید.

«تبعیض» از لحاظ لغوی به معنای تقسیم و جداکردن بعضی از بعضی، و رجحان بعضی بر بعضی بدون مرجع است. (معین، ۱۳۸۱، ص ۴۲۲) «تبعیض نژادی» نیز برتر دانستن افراد یک نژاد نسبت به نژاد دیگر، از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۲۵۶)؛ همچنین «تبعیض» به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که حق یک گروه را برای استفاده از فرصت‌هایی که در برابر دیگران گشوده است سلب می‌کند. (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳-۲۶۴)

اعراب دین اسلام را مخصوص فرزندان اسماعیل می‌دانستند؛ چنان که گویی اسلام آوردن دیگران با اسلام نیاوردنشان تفاوتی ندارد. این برتری‌انگاری، حتی در قالب فکاهیات نیز خود را نمایان ساخت. گویند: مرد عربی به یکی از موالی عجم گفت: در خواب دیدم که به بهشت درآمدم و قصرهایی دیدم؛ گفتم: از آن کیست؟ گفتند: برای اعراب است! آن عجم گفت: آیا به غرفه‌ها سر زدی؟ عرب گفت: خیر! عجم گفت: آن غرفه‌ها برای موالی بودند. (ابن قتیبه، ۱۹۹۸، ج ۲، ص ۲۱۳)



### تثبیت بنای تبعیض نسبت به موالی در مرکز خلافت

فتوحات اسلامی با شعار توحید و اجرای عدالت اسلامی انجام پذیرفت؛ اما روند حوادث و نوع نگرش برخی خلفا موجب گردید تا به جای اخوت اسلامی و انسانی، کانون‌های مختلفی در جامعه شکل گیرد که باورهای ایمانی در آن تبلور چندانی نداشت.

خلیفه دوم با گسترش فتوحات در شام و مرزهای غربی ایران، فرمان‌هایی صادر کرد و به فرماندهان خویش دستور داد که از ارتباط و اختلاط با غیر اعراب بپرهیزند؛ در جاهایی استقرار یابند که موالی و غیرعرب را میان خود راه ندهند و پیوستگی خود را با سرزمین‌های عربی حفظ کنند؛ و پایگاه‌ها و شهرهایی بنا نهند که با محیط عربستان سازگاری و ارتباط داشته باشد. (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۲۷۰-۲۷۵)

مدت کوتاهی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله برخلاف سیره ایشان، در عهد خلیفه دوم، برخلاف سیره نبوی تقسیم بیت‌المال بر اساس دوری و نزدیکی به قریش و نسب برتر انجام پذیرفت و این تقسیمی بر محوریت ارزش‌های قبیله‌ای و قومی شد. این شکل از تصمیم‌گیری با توجه به فرهنگ جاهلی عرب و تمایل بنیادین آن در تفاخر به قوم و قبیله بعداً راه را برای برتری‌طلبی‌های نوین - که این بار علاوه بر قبیله و نسب، سبقت در اسلام نیز بدان افزوده شده بود - هموارتر ساخت و به احیای تعصبات دیرین و پدیدار شدن اشرافیت نوین اسلامی کمک نمود. در نتیجه ظهور این طبقه در جامعه اسلامی، همراه با تعصب عربی و تبعیض فاحش در مقابل ملل مفتوحه و اقلیت‌های اجتماعی، تمایز میان مسلمانان به دو گروه اجتماعی مبتنی بر نژاد عرب و عجم مؤثر افتاد.

در همین زمینه در زمان خلیفه دوم، به ظاهر برای حفظ ساختار اجتماعی یا آلوده نشدن مدینه، مرکز حکومت اسلامی، از حضور عجمان جلوگیری شد. (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۱۹؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۷، ج ۱۲، ص ۱۸۷) او به سعد بن ابی‌وقاص دستور داد تا برای مسلمانان محلی برای مهاجرت (دارالهجرت) و همچنین مرکزی برای اداره جنگ (دارالجهاد) انتخاب نماید (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۳۸)؛ از به کارگیری عجم‌ها در اداره

امور اظهار نگرانی شد، به عرب‌ها اجازه داده شد تا با زنان ایرانی ازدواج نمایند، اما مردان ایرانی مجاز به داشتن همسر عرب نبودند. (سرخسی، ۱۹۶۰، ج ۵، ص ۲۳)

جامعه اسلامی دوران خلافت با پیش گرفتن مسیری مخالف دوران پیامبر ﷺ در حوزه عدالت اجتماعی و اقتصادی موجب شد تا سهم موالی از بیت المال نسبت به اعراب کمتر باشد؛ آنها تحقیر می‌شدند و مورد اهانت قرار می‌گرفتند؛ کارهای سخت و دشوار بر دوش آنان بود و حتی برخی از افراد متعصب گمان می‌کردند موالی برای کارهایی از قبیل پاک کردن راه‌ها و دوختن لباس آفریده شده‌اند. (ابن عبدربه، ۱۹۵۲، ج ۳، ص ۴۱۴) در جنگ‌ها نیز علاوه بر آنکه مناصب فرماندهی را در اختیارشان نمی‌گذاشتند، به آنان اجازه سوار شدن بر اسب نمی‌دادند و از آنها به عنوان پیاده‌نظام استفاده می‌کردند. (زبیدی، ۱۹۰۷، ص ۷۷)

خلیفه درباره اعرابی که به اسارت درآمده بودند یا در دوران جاهلیت به بردگی گرفتار شده بودند توصیه نمود که فدیه آنان را در صورت امکان بپردازند تا آزاد شوند. (جوده، ۱۳۸۳ق، ص ۹۰) وی هنگامی که گستردگی فتوحات مسلمانان را مشاهده کرد، اعلام داشت: «حال که خداوند وسعت داده و غیر عرب را مقهور کرده است، بر عرب بسی زشت است که شماری، مالک شماری باشند.» (ابوعبید، ۱۹۶۸، ص ۱۹۸)

برخی منابع دوره اسلامی به این نکته اشاره می‌کنند که تعدادی از بردگان عرب تبار در جاهلیت و یا اندکی پیش از فتوحات اسلامی بیرون جزیره‌العرب به بردگی گرفته شده بودند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۲۸، ج ۳، ص ۲۸۶) با گسترش فتوحات اسلامی در سرزمین‌های غیرعربی، اعراب به جای نبرد با یکدیگر در کنار هم با سایر ملل جنگیدند. آنان با کسب پیروزی‌های بزرگ و به تصرف در آوردن ایران و روم شرقی، هزاران تن را به اسارت درآوردند و عملاً مفهوم «موالی» برای غیرعرب استعمال شد. در عین حال در تقسیم‌بندی و توزیع غنائم و عطا، اسباب برتری‌جویی‌های قومی و قبیله‌ای بیدار گردید.

### ساختار وضعیت حقوق ایرانیان در آستانه خلافت امام علی علیه السلام

تصرف سرزمین‌های گوناگون هرچند به نام «گسترش دعوت اسلام» انجام شد، اما هرچه بود و هرطور که پیش رفت به دلایل گوناگون، همراه با افزایش نگرش‌های قومی و عربی بود و موجب تبعیض به شکل بیداری حس عربی و غیرعربی و تقسیم‌بندی جامعه اسلامی و قلمروهای مردم ملل مفتوحه شد. تبعیض و نابرابری اجتماعی به طور کلی‌تر به تفاوت‌های میان افراد (یا جایگاه‌هایی) که به صورت اجتماعی تعریف شده است، اشاره می‌کند که بر نحوه زندگی آنها، به ویژه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر دارد. در اینجا، مهم‌ترین تفاوت‌ها، تفاوت‌هایی هستند که به معنای اجتماعی، ساختاری شده‌اند؛ تفاوت‌هایی که جزء لاینفک کنش متقابل و مستمر افراد هستند. (گرب، ۱۳۸۱، ص ۱۰) در واقع در زمان خلافت امام علی علیه السلام تبعیض نسبت به موالی در جامعه اسلامی ساختاری شده بود و تغییر این الگو با این وضعیت ناممکن به نظر می‌رسید.

تعداد قابل توجهی از ساکنان بین‌النهرین را مردم سرزمین‌های مغلوب تشکیل می‌دادند که به خاطر فتوحات جزواسرا و موالی مسلمانان شده بودند و جماعت غیرعرب را در مقابل اعراب تشکیل می‌دادند به تدریج احساس محرومیت و در نتیجه نارضایتی‌های اجتماعی نسبت به قبایل عرب در وجود آنان ریشه دوانید و روند صعودی تضییع حقوق ایرانیان در دوران خلیفه دوم منجر به کشته شدن او توسط یکی از آنها به نام «ابولؤلؤ» شد. (ابن اعثم، ۱۹۹۱م، ج ۲، ص ۲۶۳)

در این مدت موالی با وجود جمعیت عظیمشان به علل گوناگون هنوز جرئت ابراز مخالفت با خلافت را نداشتند. برخی از تحلیل‌گران عرب این تغییر فکری و رفتاری را نتیجه فتوحات می‌دانند. به نظر آنها اعراب از باده غرور سرمست شدند؛ زیرا طی مدت قریب بیست سال، از شترچرانی به سلطنت رسیدند و مانند رومیان خود را برتر از دیگران می‌پنداشتند و تصور می‌کردند در اعراب میزانی هست که در دیگران نیست... (زیدان،

سکوت همراه با تأیید بسیاری از صحابه و تابعان به عادی شدن و حتی پذیرش عمومی این رسم غیراسلامی کمک نمود. از این رو می‌توان دشواری وضعیت امام علی علیه السلام و تنهایی او در مبارزه با احقاق حق اقلیت‌های قومی به ویژه ایرانیان ساکن در بین‌النهرین را دریافت. همراهی نکردن آن حضرت با این ظلم آشکار و به کلام دیگر این رویکرد رفتاری در برابر موالی که به منظور رفع تبعیض از آنان صورت گرفت، عاملی برای رویارویی و تقابل اشراف و سران قبایل عرب با ایشان شد. (شاهرخی و بهرامی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۷)

جامعه عرب، اعم از عشایری و بومی بر پایه بنیادهای قبیله‌ای سازمان یافته بود و در همه گروه‌های اجتماعی، روحیه گروهی و پیوند عشیره‌ای مهم‌ترین جنبه حیات اجتماعی به شمار می‌آمد. به گفته ابوالفرج اصفهانی نظام قبیله‌ای براساس نسب‌نامه‌ای واقعی یا غیر واقعی بر یک نیای مشترک قرار داشت که بر اساس آن وضع اجتماعی و اخلاقی هر قبیله تعیین می‌گردید. بنابراین علم و آگاهی بر نیای مشترک نقطه اصلی وجدان اجتماعی بود و عزت و افتخار یک قبیله با قبیله دیگر از اجداد ایشان ریشه می‌گرفت. (اصفهانی، ۱۳۵۷ق، ج ۱، ص ۴۵)

در چنین شرایطی، در حالی که آنها خود یکدیگر را تحقیر می‌کردند، نسبت به غیر عرب، به ویژه ایرانیان نگرش مناسبی نداشتند. آنان هیچگاه موالی را با کنیه - که نشانه احترام است - صدا نمی‌زدند. به آنها اجازه نماز خواندن بر مردگان نمی‌دادند و هنگام حضور در سفره‌ها، آنها را در کناری قرار می‌دادند تا موالی بودنشان مشخص باشد. در جنگ‌ها نیز علاوه بر آنکه مناصب فرماندهی را در اختیارشان نمی‌گذاشتند، به آنان اجازه سوار شدن بر اسب را نمی‌دادند و از آنها به عنوان پیاده‌نظام استفاده می‌کردند. (زیبیدی، ۱۹۰۷، ص ۷۷)

## ابعاد حقوق ایرانیان در نظریه «حقوق متقابل مردم و حاکمیت» در خلافت امام

علی علیه السلام

سخنان امام علی علیه السلام در جریان جنگ صفین و در برابر هزاران تن، نه از زبان یک اندیشمند یا متفکر به دور از قدرت و در یک محفل علمی، بلکه بیان حقوق مردم بر حاکم، از زبان کسی است که در ۱۴۰۰ سال پیش بر سرزمین‌های پهناور خلافت اسلامی حکومت می‌کرد. از نظر ایشان، تعیین حقوق از جانب پروردگار است و حقوق حاکمان و مردم بر خلاف رسم رایج دوطرفه است. از این رو می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بَوْلَايَةِ أَمْرِكُمْ، وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ»؛ خداوند سبحان برای من بر شما به سبب سرپرستی و حکومت، حقی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقی تعیین فرموده است. (سیدرضی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۲) البته امام در موقعیت‌های دیگری، از جمله در نامه به مالک اشتر و در نامه خطاب به فرماندهان نظامی که در نهج‌البلاغه به عنوان نامه شماره ۵۰ ذکر شده، در جایگاه خلیفه اسلامی نکات مهمی را در خصوص حقوق مردم بیان می‌کنند که بخشی از آنها در زمینه حق مردم است.

امام علی علیه السلام به اعتراف همگان دارای درخشان‌ترین سابقه در دوران نبوی و آگاه‌ترین فرد به اسلام بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله است، اما به عللی تا ۲۵ سال از خلافت کنار گذاشته شد. (ابن خلدون، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۲۶۷؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۷۲-۸۰) شکل‌گیری سریع جریان‌های مخالف شیوه عادلانه حکومتی آن حضرت اقتضا می‌کرد برای پیشرفت امور، برخی اولویت‌بندی‌ها صورت گیرد و روشن بود که بی‌تفاوتی و ادامه روند خلفای پیشین در برابر تزییع حقوق گروه اجتماعی محروم موالی - که به تعداد زیاد در بصره و کوفه حضور داشتند - هیچ هزینه‌ای برای امام به دنبال نداشت، در حالی که عکس آن می‌توانست جبهه مخالف دیگری علیه ایشان ایجاد نماید.

### ۱. اولویت حقوق محرومان در برنامه اجرایی خلافت امام علی علیه السلام

امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر خلاف خلفای پیشین که دغدغه مهم آنان در حوزه اجتماعی مسائل مربوط به قوم غالب و نگرانی از آمیخته شدن آنان با دیگر نژادها بود، بیشتر همت خود را معطوف به رفع بی‌عدالتی در ابعاد گوناگون، از جمله جلوگیری از ضایع شدن حقوق همه مردم قرار دادند و بارها در موقعیت‌های گوناگون به این موضوع اشاره کردند؛ از جمله در یکی از خطبه‌های خود فرمودند: «فان الله بعث محمداً صلی الله علیه و آله لیخرج عباده من عبادة عباده الی عبادته، و من عهد عباده الی عهده، و من طاعة عباده الی طاعته، و من ولایة عباده الی ولایته». (فیض کاشانی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۲۲) خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به بعثت برانگیخت تا انسان‌ها را از بردگی و بندگی غیرخدا آزاد سازد و از اطاعت غیرخدا به اطاعت خدا فرا خواند. همچنین فرمودند: «لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً»؛ (سیدرضی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۵) بنده کسی نباش، در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است. در فرصتی دیگر فرمودند: «مردم آزادند.» (عاملی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۲۴۳)

از دوران خلافت حضرت علی علیه السلام، نمونه‌های متعدد مراقبت ایشان از التزام به رعایت حقوق مدنی غیر مسلمانان نقل شده است؛ از جمله هنگامی که آن حضرت پیرمرد از کار افتاده نابینایی را دیدند که از مردم تقاضای کمک می‌کرد، یکی از اطرافیان خود را مأمور رسیدگی به حال وی ساختند. او پس از تحقیق گزارش داد: می‌گویند: وی نصرانی است و از مردم کمک می‌خواهد. امام از شنیدن این سخن آثار خشم در چهره‌شان آشکار گردید و فریاد برآوردند: «تا جوان بود او را به کار کشیدید و از نیروی او بهره گرفتید و اکنون که پیر و ناتوان گشته وی را به حال خود رها ساخته و از احسان و کمک خویش محرومش می‌کنید؟!» آنگاه این فرمان ماندگار را صادر نمودند: «انفقوا علیه من بیت‌المال»؛ برای وی از بیت‌المال مستمری قرار دهید. (عاملی، ۱۴۰۱ق،

## ۲. مسئولیت‌پذیری امام در احیای حقوق محرومان و موالی

به نظر می‌رسد یکی از راه‌های دستیابی به شناختی نسبی از جایگاه و اهمیت مقوله حقوق انسانی ایرانیان در دوران خلافت امام علی علیه السلام بررسی جایگاه و میزان اهمیت حقوق عامه مردم از دیدگاه ایشان است. نوع نگاه و عملکرد آن حضرت در این باره در دوران عهده‌داری خلافت، معیار مناسبی برای ارزیابی این موضوع است. در باور و عمل امام، رعایت حقوق مردم یک وظیفه و تکلیف است بدین‌روی در نامه ۵۰ نهج البلاغه می‌فرمایند: «... وَ لَا أُؤَخِّرَ لَكُمْ حَقًّا عَنْ مَحَلِّهِ، وَ لَا أَقِفَ بِهِ دُونَ مَقْطَعِهِ...» (سیدرضی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۸)؛ من موظفم هیچ حقی را از شما به تأخیر نیندازم و پیش از رسیدن به مقطع نهایی آن را قطع نکنم...

نباید این نکته مهم را نادیده انگاشت که نه تنها در عصر ایشان، بلکه حتی تا قرن‌ها بعد و تا دوران معاصر، معمولاً مسئله‌ای به نام «حقوق مردم» و به ویژه گروه‌های اقلیت از جانب حکومت‌ها مطرح نبوده است. در تأکید نسبت به رعایت حقوق محرومان، امام علیه السلام در نامه به مالک اشتر می‌فرمایند: «... ثُمَّ اللَّهُ! اللَّهُ! فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسِي وَ الزَّمْنِي! فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُعْتَرًّا وَ أَحْفَظُ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ...» (همان، ص ۲۹۹)؛ خدا را! خدا را! در خصوص طبقه پایین اجتماع (در نظر بگیرید)؛ از آنان که راه چاره‌ای ندارند، و از کارافتادگان و نیازمندان و دچارشدگان به زیان و سختی و صاحبان امراض هستند که از پا درآمده‌اند! در میان ایشان کسانی هستند که روی سؤال و اظهار، حاجت دارند و کسانی هستند که عفت نفسشان مانع درخواست کردن است. بنابراین مراقبت کن از آنچه خداوند درباره آنان، از حفظ حقوق از تو خواسته است ...

امام علیه السلام با درایت خاصی از برده شدن کشاورزان ایرانی جلوگیری نمودند، هنگامی که خلیفه دوم تصمیم گرفت سرزمین عراق را بین مسلمانان تقسیم کند، دستور داد آنها را بشمارند. سپس دید که به هر مرد (مجاهد) سه کشاورز می‌رسد. در این باره مشورت کرد، علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: «آنها را رها کن تا ذخیره و ماده‌ای برای تمام مسلمانان باشند.» (باقوت حموی، ۱۳۷۵ق، ج ۳، ص ۲۷۵)

۳. طرح محوریت حق و بدون مرزهای نژادی در رابطه حاکم با اقشار گوناگون مردم امام علیه السلام در تقسیم‌بندی حقوق مردم و حاکم، نگاهی طبقه‌بندی شده به مردم نداشتند و بر خلاف اسلاف خود، مرزهای نژادی برایشان قایل نشد، ایشان در فرمان حکومتی به مالک اشتر - که از شهرت بسیاری برخوردار است - به ایشان می‌فرماید: «وَأَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَعْتَنُمُ» (سیدرضی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۱)؛ قلب خویش را نسبت به ملت خود، سرشار از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان درنده‌ای نسبت به آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری. بی‌تردید بیان این سخنان توسط فردی که سرزمین‌های پهناور خلافت اسلامی در اختیار اوست و فرهنگ تحقیر نژادهای غیر نژاد حاکم در آن نهادینه شده، بسیار غیرمترقبه و در عین حال چالش برانگیز بود.

این موضع‌گیری بی‌نظیر از فردی همچون امام علی علیه السلام چندان غیرمنتظره نبود؛ زیرا خود ایشان با قاطعیت و اطمینان می‌فرمایند: «مَا شَكَّكْتُ فِي الْحَقِّ مُدُّ أُرَيْتُهُ، مَا كَذَّبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ، وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضُلُّ بِي» (همان، ص ۳۴۴)؛ از آن زمان که حق به من نشان داده شده هرگز در آن شک نکرده‌ام، هرگز دروغ نگفته‌ام و هرگز گمراه نبوده‌ام و هرگز کسی به وسیله من گمراه نشده است. این محوریت اصل حق‌گرایی در هر شرایطی در برابر اصل حفظ قدرت به هر قیمتی قرار دارد. حتی در دوران معاصر ماهیت حق‌های اقتصادی و اجتماعی گاهی به لحاظ نظری مورد مناقشه قرار گرفته است. (همتی، ۱۳۸۶، ص ۶۶)

#### ۴. محورهای احیای حقوق موالی در خلافت امام علی علیه السلام

الف. تلاش برای حقوق پایمال شده برخی از ایرانیان طی سال‌های قبل از خلافت موضوع احساس مسئولیت در قبال حق مردم، صرف نظر از مرزبندی‌های موجود و پیگیری جدی تحقق آن، برای امام یک اولویت بود. جالب اینکه حتی از موارد مربوط به سالیان قبل هم چشم‌پوشی نکردند؛ از جمله موضوع ضایع شدن حقوق و قتل چند ایرانی بی‌گناه که پس از کشته شدن خلیفه دوم، توسط یکی از پسران وی انجام شده بود. در این ماجرا،



عبدالله بن عمر با اطلاع یافتن از موضوع ترور و بنا بر اقوالی پس از مرگ پدرش، شمشیر خویش را بیرون کشید و بر ایرانیان مقیم مدینه حمله آورد و هرمزان و دو دخترش [در برخی منابع واژه دخترش ذکر شده] و ابولؤلؤ و مردی را که «جفینه» نام داشت کشت. (مقدسی، بی تا، ج ۵، ص ۹۲)؛ از میان این افراد، هرمزان مسلمان شده بود. (ابن اثیر، ۱۹۸۹، ج ۳، ص ۴۲۴)

برخی منابع نقل کرده اند که وی قصد داشت سایر ایرانیان مقیم مدینه را به قتل برساند و گفت: «هیچ ایرانی باقی نخواهم گذاشت». (ابن قتیبه، ۱۹۹۲، ص ۱۸۷) با گذشت بیش از ۱۲ سال از این ماجرا پس از اینکه امام علی علیه السلام به خلافت رسیدند، عبدالله بن عمر با علم به اینکه جنایات سالهای قبل او پیگیری خواهد شد، از مدینه به نزد معاویه در شام گریخت؛ اما در آستانه شروع جنگ، عبدالله به اردوگاه حضرت علی علیه السلام آمد و اجازه خواست تا با ایشان ملاقات کند. اجازه داده شد و چون به حضور علی علیه السلام آمد، حضرت به او فرمودند: تو هرمزان را ... کشتی و اکنون امیدواری که از من به سلامت مانی؟ عبدالله گفت: خدا را سپاس که تو خون هرمزان را از من مطالبه می کنی... (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۱۶۹)

### ب. حق زندگی همراه با عزت

ابتدایی ترین و اصلی ترین حق هر انسان «حق زندگی» است. روشن است که امکان ادامه حیات از نیازهای عمومی هر کسی است. قرآن می فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲)؛ هر کس دیگری را، به غیر قصاص قتل کسی یا ارتکاب فسادی بر روی زمین بکشد چنان است که همه مردم را کشته باشد، و هر کس به او حیات بخشد چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده باشد. بی شک یکی از محورهایی که موجب امتیاز امام علی علیه السلام از سایر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله شده این موضوع است که اجرای عدالت و حق برای آن حضرت مهم ترین اولویت را داشت.

از این رو در کنار تلاش برای احیای حقوق موالی، خطاب به آنها فرمودند: «ای گروه موالی، این عرب‌ها شما را به منزله یهود و نصارا قرار داده‌اند؛ از شما زن می‌گیرند، اما به شما زن نمی‌دهند و شما را در گرفتن عطا از بیت‌المال مساوی قرار نمی‌دهند پس شما تجارت کنید تا خدا به شما برکت دهد؛ زیرا از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود روزی ده جزء است که نه جزء آن در تجارت و یک جزء آن در کارهای دیگر است.» (حرعاملی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۴، ص ۴۶)

### ج. حق دادخواهی عمومی

یکی از بسترهای نیل به حقوق مردم فراهم ساختن امکان دادخواهی برای همگان، به ویژه اقلیت‌ها و افراد بی‌پناه است. در گذشته، این وظیفه مهم بر عهده شخص حاکم و هیأت حاکم بود. در این زمینه امام علیؑ در فرمان مشهورشان به مالک اشتر می‌فرماید: «... وَ اجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ، وَ تَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا، فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَ تُقْعِدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَ اعْوَانِكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَ شُرَطِكَ، حَتَّى يَكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَتَعِنِعِ» (سیدرضی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۰)؛ از جانب خود وقتی را برای آنان که به تو کاری دارند قرار ده و در آن وقت وجود خود را برای آنان از هر کاری فارغ کن و جلوس تو برای آنان در مجلس عمومی باشد و برای خداوندی که تو را آفریده است تواضع کن و لشکریان و یاران از پاسبانان و محافظان خود را از این مجلس برکنار دار، تا سخنگوی نیازمندان بدون ترس و نگرانی و لکنت و تردید با تو سخن بگوید.

امام علیؑ همچنین می‌فرماید: «ظَلَمُ الضَّعِيفِ أَفْحَشُ الظُّلْمِ» (همان، ص ۲۹۹)؛ ستم بر ناتوان زشت‌ترین ستم است. در جایی دیگر حضرت با پیرزنی روبه‌رو شدند که مشک آبی بر دوش داشت. ایشان مشک را گرفتند و خود به خانه رساندند، وقتی متوجه شدند که این زن همسر یکی از رزمندگان شهید است روز بعد با غذا به منزل او رفتند و با بچه‌هایش بازی کردند و صورت خود را نزدیک آتش گرفتند و به خود گفتند: یا علی! بچش که این جزای کسی است که حقوق بیوه‌زنان و یتیمان را ضایع کند. (مجلسی، بی‌تا، ج ۵۲، ص ۴۱)

با توجه به این شرایط بود که ایرانیان کوفه برای نخستین بار توانستند آزادانه و بدون هیچگونه واهمه‌ای به حضور حاکم اسلام رسیده، مشکلات و تبعیضات ناروا در حق خود را مطرح نمایند و بر خلاف خلفای پیشین، امام علیه السلام با سعه صدر به سخنان موالی گوش می‌دادند و علاوه بر اجرای عدالت، می‌کوشیدند تا افراد متعصب، به ویژه اشراف کوفه روش خود را تغییر دهند.

### د. حق طرح شکایات از عوامل حکومتی و پیگیری آن

درگیری میان موالی با اعراب و گاهی با دست‌اندرکاران حکومتی در مناطقی که گروه‌های جمعیتی ایرانی وجود داشت موضوعی عادی بود. تا پیش از خلافت امام، هیچ‌یک از موالی جرئت طرح دعوی در محاکم حقوقی نداشت؛ اما با اجرای عدالت در زمان امام، حتی ایرانیانی که در نواحی اطراف کوفه یا مناطق دوردست قرار داشتند، درخواست‌های حقوقی خود را به شکل غیرحضوری برای امام علیه السلام ارسال می‌کردند. جالب اینکه درخواست‌هایشان توسط امام علیه السلام با جدیت پیگیری می‌شد و به نتیجه می‌رسید. از جمله، برخی دهقانان ایرانی از سختگیری حاکم خود، عمرو بن سلمه ارجبی، به ایشان شکایت کردند. امام علیه السلام نیز طی نامه‌ای وی را به خوشرفتاری با مردم ذکر شده دعوت کردند و به او چنین فرمان دادند: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ دَهَاقِينَ أَهْلِ بَلَدِكَ شَكَّوْا مِنْكَ غِلْظَةً وَ قَسْوَةً وَ احْتِقَارًا وَ جَفْوَةً... فَالْبَسْ لَهُمْ جَلْبَابًا مِنَ اللَّيْنِ تَشْوِبُهُ بَطْرَفٌ مِنَ الشَّدَّةِ، وَ دَاوِلْ لَهُمْ بَيْنَ الْقُسْوَةِ وَ الرَّأْفَةِ، وَ امْرُجْ لَهُمْ بَيْنَ التَّقْرِيبِ وَ الْإِدْنَاءِ وَ الْإِبْعَادِ وَ الْإِقْصَاءِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (سیدرضی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۳)؛ اما بعد، دهقانان شهر تو شکایت دارند که با آنان درشتی می‌کنی و سختی روا می‌داری، به آنان ستم می‌کنی و خردشان می‌شماری... پس برای آنان جامه‌ای از مدارا با اندکی سختی بپوش، و روشی در پیش‌گیر میان شدت و رأفت؛ گاه آنان را به خود نزدیک کن و گاه دور. ان شاء الله.

هنگامی که امام علی علیه السلام وارد شهر کوفه شدند مردم، سران قبایل و شخصیت‌ها به دیدار ایشان شتافتند و تهنیت گفتند. مردم سواد عراق (روستاهای اطراف کوفه) که غیر مسلمان بودند نیز به دیدار حضرت شتافتند. امام به آنان اجازه ملاقات دادند و به خاطر فراوانی جمعیت و مهمه موجود، خطاب به آنان فرمود: من توان شنیدن کلام شما را

ندارم و نمی‌توانم از حال شما آگاه شوم. پس کار خود را به کسی بسپارید که نزد شما از همه بیشتر مورد پذیرش بوده و از همه برای شما خیرخواه‌تر باشد. آنان فردی به نام «نرسا» را معرفی کردند و گفتند: آنچه او به آن راضی شود ما رضایت می‌دهیم، و آنچه از آن ناراحت گردد ما نیز آن را نمی‌پسندیم. نرسا نزد حضرت نشست و با ایشان مفصل درباره مسائل ایرانیان اطراف و ساکن کوفه گفت‌وگو کرد. (منقری، ۱۴۰۴، ص ۳۰)

### ۵. حق کرامت انسانی

یکی از آسیب‌های مهم و تقریباً همیشگی فاصله گرفتن حاکمان از مردم، تحقیر آنان و خود را برتر از آنان دانستن است. امام علی (ع) در نامه ۵۰ نهج البلاغه خطاب به فرماندهان نظامی در این خصوص به آنها تذکر داده، در فرازی از این نامه می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ حَقَّ عَلِيٍّ الْوَالِي الْأَيَّامِ عَلَى رَعِيَّتِهِ فَضْلٌ نَالَهُ وَ لَا طَوْلَ خُصٍّ بِهِ، وَ أَنْ يَزِيدَهُ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ نِعْمِهِ دُنُوًّا مِنْ عِبَادِهِ وَ عَطْفًا عَلَى إِخْوَانِهِ» (همان، ص ۲۸۸)؛ اما بعد، حاکمی که به برتری رسیده و به او و نعمتی اختصاص یافته لازم است نسبت به رعیت تغییر حال پیدا نکند و (به پاس) سهمی که خداوند از نعمت نصیبش نموده، سزاوار است بر نزدیک شدنش به بندگان خدا، و مهربانی‌اش به برادران بیفزاید.

این فرمان امام توصیه اکید به رعایت کرامت انسانی است مهم‌ترین اصل و پایه حقوق بشر کرامت انسانی است. در آیات الهی تأکید شده انسان موجودی ممتاز است که می‌تواند به مقام جانشینی خداوند در روی زمین دست یابد. قرآن کریم می‌فرماید: «و لقد كرّمنا بني آدم» (اسراء: ۷۰) دادن کرامت به انسان به معنای ارج نهادن به انسان است. تحقیر انسان‌ها که معمولاً به اشکال گوناگون، به ویژه از جانب فاتحان نسبت به موالی ایرانی روا داشته می‌شد در تضاد با کرامت انسانی بود و برای امام علی (ع) قابل تحمل نبود.

رفتار عادلانه امام علی (ع) با همه اقوام، به ویژه با موالی در نهایت موجب شد تا این متعصبان برآشوبند، حتی ایشان را علناً تهدید کرده، گفتند: اگر به موالی (ایرانیان) بیش از این روی نمایی و آنان را برکشی نزد معاویه خواهیم رفت. (ثقفی کوفی، ۱۹۹۹، ج ۲، ص ۳۴۱) تساوی انسان‌ها در اسلام بر اساس اصل کرامت است که اصل آزادی و عدم بردگی انسان اعلام شده است. نمونه آن ماده ۴ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» است که بیان می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان به بندگی گرفت. بندگی و سوداگری بنده در هر شکل که باشد ممنوع است.»

## ۶. برابر کردن حقوق اقتصادی ایرانیان با اعراب

نابرابری حقوق ایرانیان با اعراب در عرصه اقتصادی نیز به موضوعی عادی در جامعه تبدیل شده بود، با خلافت امام علیه السلام این روش ناپسند کنار نهاده شد. این اقدام در حالی انجام پذیرفت که اعراب با آن به طور علنی مخالفت کردند. برخی منابع به اعتراض‌ها علیه این اقدام امام علیه السلام و شیوه پاسخ ایشان که مبتنی بر قرآن مجید بود، اشاره کرده‌اند: علی علیه السلام مردم را در عطا برابر نهاد و کسی را بر کسی دیگر برتری نداد و موالی را چنان عطا داد که عرب اصیل را، و در این باب با او سخن گفتند. پس در حالی که چوبی از زمین برداشت و آن را در میان دو انگشت خود نهاد و گفت: «قرات ما بین الدفتین فلم اجد لولد اسماعیل علی ولد اسحاق فضل هذا» (یعقوبی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۸۲)؛ تمام قرآن را تلاوت کردم و برای فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق به اندازه این چوب برتری نیافتم. شیوه منحصر به فرد حضرت علی علیه السلام محدود به اجرای عدالت نشد، بلکه او حتی در مواردی هدایای داوطلبانه برخی ایرانیان ساکن عراق را نیز پذیرفت. نقل شده است: پس از اینکه ایرانیان ناحیه انبار چهارپایانی را برای امام به عنوان هدیه آوردند، آن حضرت پاسخ داد: به این شرط این هدایا را می‌پذیرد که از خراج آنان محاسبه و کسر گردد. برخی از ایرانی‌ها اصرار کردند تا این هدایا به اعراب همراه ایشان داده شود، ولی امام فرمودند: «همه اعراب دوستان و آشنایان شما هستند، هیچ‌یک از اعراب از دیگری به شما سزاوارتر نیست ...» (اسکافی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۰) حتی گفته شده است: امام بدون دریافت هدایا شهر [انبار] را ترک کردند. (منقری، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۰)

جالب‌تر اینکه حتی برخی از محققان عمق این عدالت آن حضرت را درک نکرده و از این موضوع برداشت خاصی داشته‌اند از این رو روایت کرده‌اند که «علی علیه السلام به موالی نومسلمان عجم و ایران توجه بیشتری داشت و به آنان نسبت به اعراب مهربان‌تر بود.» (تقفی کوفی، ۱۹۹۹، ج ۲، ص ۳۴۱)

### ایستادگی در برابر جریان‌های قدرتمند خواهان پایمال شدن حقوق ایرانیان

برخورد محبت‌آمیز و بزرگووارانه امام علیه السلام با موالی برخی از اشراف متعصب را به شدت خشمگین نمود. آنها بارها به این رفتار حضرت اعتراض نمودند و برخی از آنان، امام را تهدید کرده، می‌گفتند: اگر به موالی (ایرانیان) بیش از این رو نمایی و آنان را برکشی نزد معاویه خواهیم رفت؛ اما آن حضرت در پاسخ گفتند: «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أُطَلَبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيَتْ عَلَيْهِ؟ وَاللَّهِ، لَأَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ وَمَا أُمَّ تَجْمُ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا» (ابن عبدربه، ۱۹۵۲، ج ۳، ص ۴۱۳)؛ مرا وادار می‌کنید تا پیروزی را با ستم کردن بر آنکه بر او ولایت دارم، بجویم؟ به خدا که نپذیرم تا جهان به سر آید.

عباد بن عبدالله اسدی می‌گوید: روز جمعه خدمت حضرت علی علیه السلام نشستہ بودم، و ایشان در منبر برای مردم خطبه می‌خواندند. آن حضرت روی منبری از آجر نشستہ بودند و سخن می‌گفتند و فرزند صوحان هم در آنجا حضور داشت. در این هنگام اشعث بن قیس آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین، این سرخ‌رویان نزد شما از ما پیشی گرفته‌اند. حضرت علی علیه السلام از این سخن برآشفتند. ابن صوحان گفت: امروز وضع عرب روشن خواهد شد و نهان آشکار خواهد گردید. (ثقفی کوفی، ۱۹۹۹، ج ۲، ص ۳۴۱) حضرت علی علیه السلام فرمودند: کسی هست که از من در مقابل این گردن کلفت‌های بی‌خاصیت دفاع کند؟ آنها روی فرش‌ها خواب قیلوله می‌کنند، در صورتی که دیگران در گرمی روز به ذکر خدا مشغول‌اند. او به من امر می‌کند آنها را از خود دور کنم و از ظالمان به حساب آیم! سوگند به خدایی که دانه‌ها را شکافت و مخلوقات را آفرید، من از محمد صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: موالیان، شما را برای عمل کردن به احکام اسلام مضروب خواهند کرد؛ همان‌گونه که شما در آغاز اسلام، با جنگیدن، اسلام را به آنها تعلیم دادید. مغیره می‌گوید: حضرت علی علیه السلام به موالیان راغب بود و به آنها محبت می‌کرد، ولی عمر از آنان بسیار فاصله می‌گرفت. (ابن عساکر، ۱۳۹۸ق، ج ۴۲، ص ۴۷۸؛ ثقفی کوفی، ۱۹۹۹، ج ۲، ص ۳۴۱)

## نتیجه‌گیری

گسترش سریع متصرفات خلافت اسلامی در شرق و غرب شبه جزیره عربستان موجب الحاق سرزمین‌های گوناگونی، از جمله ایران به پیکره این خلافت گردید. مردم این سرزمین‌ها عرب نبودند و به عنوان گروه‌های اجتماعی مغلوب تلقی می‌شدند. روش برخی از خلفای نخستین در محور قرار دادن عنصر عربیت در کنار اسلام و بهره‌گیری از امتیازات تسلط نظامی و سیاسی در کنار فراموشی تعالیم قرآنی و سیره نبوی در کوتاه‌مدت موجب عادی و حتی اسلامی قلمداد شدن تبعیض و پایمال گردیدن حقوق نومسلمانان غیر عرب گردید. امام علی علیه السلام بر خلاف خلفای اسلاف خود چنین باوری نداشتند. ایشان به مردم اعلام نمودند: خداوند سبحانه برای من بر شما به سبب سرپرستی و حکومت حقی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقی تعیین نموده است. ایشان در جهت تحقق این آرمان خود که منطبق بر تعالیم قرآن مجید و سنت نبوی بود، با محور قرار دادن اصل قرآنی کرامت انسانی تلاش نمودند تا لایه‌های تعصبات جاهلی موجود در جامعه را برطرف سازند. از نظر امام، نخستین گام برای زدودن افکار جاهلی تبعیض‌آمیز که در چند دهه قبل رنگ اسلامی نیز به خود گرفته بود، روشنگری و آگاه کردن مردم با تکیه بر محوریت قرآن مجید بود. از این رو کوشیدند در فرصت‌های گوناگون با استناد به قرآن کریم به اعراب بهمانند که همه انسان‌ها در خلقت برابرند.

امام برای تحقق ایده حقوق متقابل مردم و حاکم نسبت به یکدیگر، رفع تبعیض از ایرانیان ساکن بین‌النهرین را که در محرومیت مضاعف قرار داشتند در اولویت قرار دادند. در حکومت حضرت علی علیه السلام، پارسیان همچون اعراب، آزاد بودند و هیچ کس حق نداشت آنها را به اسارت یا بیگاری بگیرد؛ زیرا انسان فقط باید در برابر خداوند بندگی کند. این اقدام موجب اعتراض شدید تعدادی از متعصبان، به ویژه اشراف عرب کوفه گردید. آنان کوشیدند تا امام را از این رفتار بازدارند و پس از ناکامی، ایشان را تهدید کردند که به معاویه سردمدار مخالفان ایشان خواهند پیوست. امام اجازه ندادند ظلم نسبت به موالی که امری رایج و مقبول بود، ادامه یابد. ایشان همچنین در دوران خلافت خود حفظ و مراقبت از ابعاد گوناگون حقوق موالی را در اولویت قرار دادند. در نتیجه آنان برای نخستین بار پس از فتوحات اسلامی از حقوق انسانی، قضایی، اداری، مالی، اجتماعی و ایمانی برابر با اعراب برخوردار شدند و کرامت انسانی خود را باز یافتند.

## منابع

۱. قرآن مجید.
۲. سیدرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۸)، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، قم، آیین دانش.
۳. آشوری، داریوش (۱۳۸۲ش)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مروارید.
۴. ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابو‌حامد (۱۹۶۷م)، شرح نهج البلاغه، قاهره، دارالاحیاء الکتب العربیه.
۵. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد جزری (۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م)، اسد الغابة فی معرفة الصحابه، بیروت، دار الفکر.
۶. ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد (۱۹۹۱م)، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء.
۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۹۲۸م)، الاصابة فی تمييز الصحابه، قاهره، بی‌نا.
۸. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۹۸۸)، تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر.
۹. ابن سعد، محمد (۱۹۹۰)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۰. ابن عبدربه اندلسی، احمد بن محمود (۱۹۵۲)، العقد الفريد، تصحیح احمد امین، قاهره، بی‌نا.
۱۱. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسین (۱۳۹۸ق)، تاریخ مدینة دمشق، بیروت، چاپ مؤسسه محمودی.
۱۲. ابن عمر، شرف‌الدین محمد (۱۳۶۸)، خلاصه سیره رسول الله، مقدمه و تصحیح، اصغر مهدوی و مهدی قمی‌نژاد، تهران، علمی فرهنگی.
۱۳. ابن قتیبه، ابومحمد عبدالله بن مسلم (۱۹۹۲)، المعارف، تحقیق ثروت عکاشة، ط الثانیه، قاهره، الهیئة المصرية العامة للكتاب.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۹۹۸)، عیون الاخبار، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۵. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل (۱۹۷۱)، السیرة النبویه، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۶. ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۵ق)، سیرة النبویه، مصر، نشرمصطفی البابی.
۱۷. ابو‌عبید، قاسم بن سلام (۱۹۶۸)، کتاب الاموال، تحقیق محمد خلیل هراس، قاهره، بی‌نا.
۱۸. اسکافی، ابو‌جعفر (۱۳۷۴)، المعیار و الموازنه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
۱۹. اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین (۱۳۵۷ق)، الاغانی، مصر، دارالكتاب المصریه،



۲۰. امامی، حسن (۱۳۴۲)، **حقوق مدنی**، تهران، اسلامیة.
۲۱. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۸)، **مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز.
۲۲. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی (۱۹۸۸م)، **فتوح البلدان**، بیروت، دار و مکتبة الهلال.
۲۳. ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۸ق)، **تفسیر ثعالبی**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۴. تقفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۱۹۹۹م)، **الغارات**، حقه و علق علیه عبدالزهره الحسینی الخطیب، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۲۵. جعفری، حسین محمد (۱۳۸۶)، **تشیع در مسیر تاریخ**، ترجمه محمد تقی آیت‌اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، **الصحاح**، بیروت، دارالعلم للملایین.
۲۷. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۱ق)، **وسائل الشیعه**، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتبة الاسلامیة.
۲۸. دینوری، ابن قتیبه ابومحمد عبدالله بن مسلم (۱۹۹۰)، **الامامة و السیاسة**، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء.
۲۹. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸)، **الأخبار الطوال**، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضی.
۳۰. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۳۶۵)، **روض الجنان**، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳۱. زبیدی، محمد حسین (۱۹۰۷)، **الحیة الاجتماعیة و الاقتصادیة فی الکوفه**، قاهره، بی‌نا.
۳۲. سرخسی، شمس‌الدین (۱۹۶۰م)، **المبسوط**، قاهره، بی‌نا.
۳۳. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۶)، **البلاغ فی التفسیر القرآن بالقرآن**، تهران، مکتبة محمد الصادقی الطهرانی.
۳۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۲)، **المیزان**، قم، انتشارات اسلامی.
۳۵. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸ق)، **تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)**، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۳۶. عمید، حسن (۱۳۷۷)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، امیرکبیر.

۳۷. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۳۰ق)، الوافی، تحقیق مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، عطر عترة.
۳۸. قرطبی، محمد بن احمد (بی‌تا)، تفسیر قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۹. کاندهلوی، محمدیوسف (بی‌تا)، حیاة الصحابه، تحقیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دارالمعرفه.
۴۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، مبانی حقوق عمومی، تهران، دادگستر.
۴۱. کریمی، جهانگیر (۱۳۷۵)، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشردوستانه، تهران، وزارت امور خارجه.
۴۲. گرب، ادوارد ج (۱۳۷۳)، نابرابری اجتماعی، دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاد، تهران، چاپخانه میعاد.
۴۳. گولدوگولب، جولیس و ویلیام ل (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ویراستار محمد جواد زاهدی مازندرانی، تهران، مازیار.
۴۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
۴۵. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم، دارالهجره.
۴۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، مجموعه آثار، قم، صدرا.
۴۷. معرفت، محمدهادی (بی‌تا)، جامعه مدنی، قم، التمهید.
۴۸. معین، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ دو جلدی، تهران، آدنا.
۴۹. مقدسی، مطهر بن طاهر (بی‌تا)، البدء و التاریخ، قاهره، بور سعید، مکتبه الثقافة الدینیة.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب اسلامیه.
۵۱. منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق)، وقعة صفین، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۵۲. همتی، مجتبی (۱۳۸۶)، «حق‌های اقتصادی - اجتماعی و نسبت آن با حقوق شهروندی در پرتو نظریه عدالت رولز»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۸، فصل بهار.
۵۳. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله (۱۳۷۶ق)، معجم البلدان، بیروت، بی‌نا.
۵۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۴۱۴ق)، تاریخ الیعقوبی، قم، منشورات الشریف الرضی.
55. Donnelly, Jack (2013), *International human rights in theory and practice*, New York, Cornell University Press.
56. Sieghart, Paul (1983), *The International Law of human rights*, New York, The Clarendon Press, Oxford University Press.